گرافیک محیطی

دینا انصاری نیک

با گسترش فضاهای شهری ،شلوغی شهرها و افزایش جمعیت وسرعت در زندگی روزمره ،عجله ای که هرروز برای رفتن ورسیدن به سرکارخود داریم ،بی توجهی به فضاهای شهری امری غیر اختیاری شده است.

گرافیک درشاخه های بسیاری نفوذ کرده و تبایغات رکن اساسی گرافیک است. پنیر صبحگاهی که صبح ها نوش جان می‌کنید با بسته بندی و طرح روی خود ساده‌ترین، نفوذ گرافیک را در سر میز صبحانه شما نشان می‌دهد.بانکی که شاید هر روز به آن سر می‌زنید، آرم یا نشانه اش را مدیون علم گرافیک است که شما گاهی بدون خواندن نام بانک با دیدن نشانه آن سریعا بانک مورد نظر خود را پیدا می‌کنید. اما در شاخه گرافیک محیطی و المان های شهری، گرافیک بسیار ضعیف عمل کرده است.

آیا تا به حال نام گرافیک محیطی را شنیده اید؟ بعضی اوقات نام گرافیک محیطی با زیباسازی شهری کنار هم می‌آیند، که باید هر دو را درهم ادغام شده دانست. در گرافیک محیطی عامل دیدن مطرح است نه خواندن. انتقال سریع و صریح یک موضوع به مخاطب. مخاطبینی که شاید پیاده یا سوار بر ماشین شخصی خود، سرویس یا اتوبوس های شهری باشند. گرافیک محیطی هم در خیابان ها که فضای بازهستند و هم در مکانهای سربسته می‌تواند جاری باشد. هدف از گرافیک محیطی آن است که افراد با دیدن فضاهای زیبا، لختی آرام بگیرند و از تنش‌ها و استرس های روزمره حتی برای لحظه ای دور شوند و راحت تر و آسوده تر زندگی کنند. از مهم ترین اهداف کلی طراحی گرافیک محیطی می‌توان از عواملی نظیر تسهیل در امرارتباط، ادراک محیط، ایجاد هویت بصری، ایجاد محیطی زیبا و... نام برد. گرافیک محیطی یکی از ارکان زندگی اجتماعی قلمداد می‌شود. وقتی در یک صبح زمستانی سرد و بی روح از خانه خارج می شوید، دیدن یک المان زیبا یا یک تندیس خوب ممکن است به طور کلی حال شما را عوض کند. در گرافیک محیطی مهم دیده شدن است. گرافیک محیطی باید بر چشم مخاطب تاثیر بگذارد و او را وارد دنیای خودش کند. مجموعه عوامل بصری باید به استخدام دربیایند تا یک فضای مطلوب و مناسب فراهم آید. گرافیک تبلیغاتی که بر روی تابلوهای عظیم اعلان شهری (بیلبورد) استندها و دیوارها چسبیده‌اند، مدام در حال القاء یک هدف به مخاطب هستند و آن خریده شدن و استفاده شدن است. اما گرافیک محیطی فقط به فکر لذت بردن مخاطب است. فقط دیده شدن بدون القای تفکری خاص. اثربخش بودن به طوری که چنان در روح و روان مخاطب مؤثر واقع شود که این اثرگذاری در الگوی رفتاری او نمایان شود. گرافیک محیطی جنبه های زیبایی شناسانه دارد، تبلیغات ندارد. نیاز به گرافیک محیطی امروزه در فضاهای شهری محسوس است. به شهر خودمان توجه کنید. پروانه ها و لاک‌پشت‌هایی که در بلوارها در سایزهای نسبتا بزرگ قرار داده شده‌اند با اینکه شاید خیلی قوی هم کار نشده باشند و بسیار ساده باشند، چقدر برای مردم جذابند. مردم به این اجسام نگاه می کنند و لذت می‌برند. شهر شیراز پایتخت فرهنگی ایران است که می‌تواند با استفاده از تمام هویت خود، گرافیک محیطی بسیار قوی ای داشته باشد. بعضی‌ها تعلق خاطر به بعضی سوژه ها دارند. به طور مثال قلم‌های خوشنویسی که در لیوانی بزرگ در شهر گذاشته شده اند، شاید برای کسانی که حتی یک بار در زندگی خود خط ننوشته‌اند، یادآور بعضی خاطرات شیرین باشد. گرافیست‌ها با کمک معماران و شهرسازان می‌توانند، با حفظ عناصر خاصی باعث یادآوری خاطرات جمعی شوند. در حال حاضر گرافیک محیطی در شهر مشهد وارد حوزه بسیار خوبی شده است و اولین شهری است که روی مسئله گرافیک محیطی دست گذاشته است. به قول استاد دکتر سعید شفیعی، که در کتاب مبانی و فنون طراحی شهری می‌نویسند: «سیمای شهر گویای فرهنگ آن جامعه می‌تواند باشد».

آدم ها بی واسطه با گرافیک محیطی سخن می گویند، فضاهای مطلوب و دلنشین که گرافیک محیطی می‌تواند ایجاد کند سبب می‌شود اندکی از فشارهای روانی کاسته شود. امروزه همه ما ناخواسته زیر فشار انبوهی از تبلیغات هستیم. تبلیغ کالاهای مختلف، موسسه ها، بانک ها که همه و همه مردم را تشویق به خرید و سرمایه گزاری می کنند که در آخر به نفع سرمایه گزاران است. دمی آسایش در محیط های شهری لازم است که مخاطب بدون اینکه به خرید بیاندیشد، فقط لذت ببرد.

گرافیک محیطی می‌تواند حتی هویت های تاریخی شهر را گوشزد کند، دیدن مجسمه‌های مردان بزرگ فرهنگی و هنری شهر، دیوارنگاره‌های شاد و زیبا و سمبل‌هایی از صنایع دستی.

شاید دیدن یک چراغ نفتی قدیمی در بلوار بتواند مردم را به دنیایی ببرد که از آن خاطرات خوبی داشته باشند. حتی باعث بحث مشترک و تعامل نظر بین دو نفر رهگذر یا آدم‌هایی که سرد و خاموش در صندلی اتوبوس کنار هم نشسته اند بشود. به قول استاد قباد شیوا:

"اگر از لحاظ زیبایی بصری ناهنجاری باشد، طبیعتا افراد در نابهنجاری‌ها رشد می کنند و اگر شهر زیبا باشد بر الگوهای عمل شهروندان موثر خواهد بود وازفشا رهای روانی ناشی از محیط نا بهنجار کاسته خواهد شد."

طرح: عصرمردم

جدول شماره ۹۴/۷۱۰

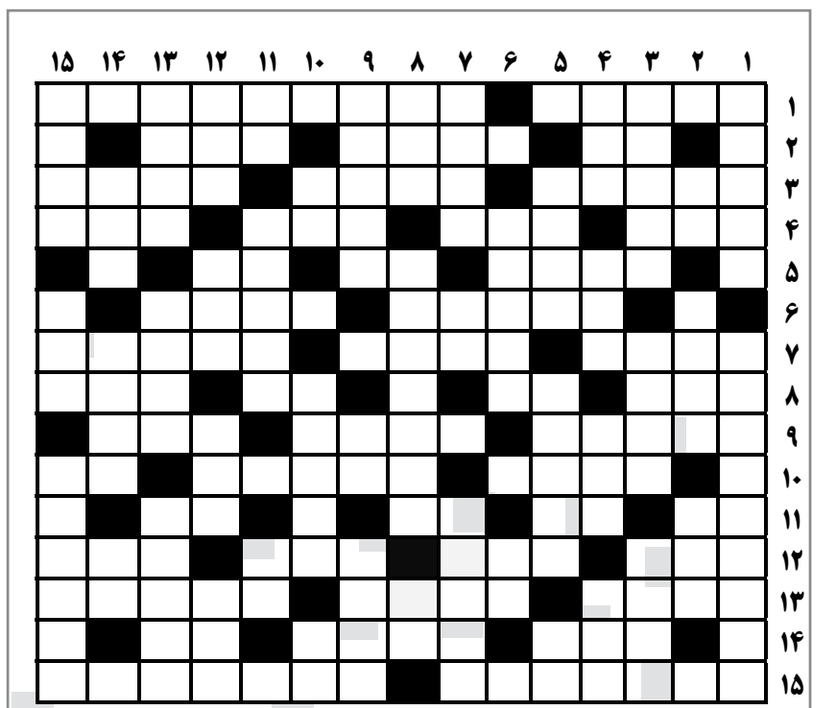

افقی:

۱- مرکز آذربایجان شرقی – دریاچه‌ای در سیستان
۲- پودر کشنده – از جنس مس - آنجا
۳- ابتدای پل را می‌گویند – اسب بارکش – از وسایل تنظیف
٤- ذره باردار شده – نهی از دمیدن می‌کند – سرپرست - روشنایی
٥- دروغگوی طعنه زننده – ناشنوا - تکخال
٦- قابل انتقال – همنشین پشیمانی
۷- سرزمین – اذیت – شهر پیامبر (ص)
۸- نوعی قورباغه – ضمیر اول شخص مفرد – منع بی‌پایان – قدرت و توانایی
۹- فرهنگنامه‌ای فرانسوی – شجاع – خبر از گرسنه ندارد
۱۰- آسوده و در امان – از چهره‌های موسیقی معاصر – از ضمایر عربی
۱۱- یکصد مترمربع – جهت – چه وقت – اثر چربی روی لباس
۱۲- آفت قالی – از کشورهای باستانی – فهم - درخشش
۱۳- تاب شیرازی – گرمابه – نوشتن
۱٤- مرکز اتریش – از علوم پژوهشی – تکرار یک حرف
۱٥- ذکر – از دروس دبیرستانی

عمودی:

۱- راست پنداشتن – نویسنده رمان کلیدر
۲- خدای درویشان – رواديد – شک و تردید
۳- وسیله ارتباطی – از فنون قرائت قرآن – سلام و تهیت
٤- فرخندگی – گذرگاه – دوستدار رامین – در تولد تقسیم می‌کنند
٥- از وسایل برقی آشپزخانه – سم خورده - مذکر
٦- کشاورز – سلامتی بی‌پایان
۷- تنومند – نیم صدای زنبور – از استان‌های کویری
۸- از ادات پرسشی – پاسگاه شهری – مادر عرب
۹- از حشرات – از توابع تهران – ریشه
۱۰- رها – در حال سفر – کشش برنج پس از پختن را گویند
۱۱- تعجب زنانه – نام گلی زیبا – مکمل شلوار
۱۲- مرارت – بسیار خنک – آب ویرانگر – استخر خانگی
۱۳- قبل از دهگان و صدگان – تندی و برندگی - انحراف
۱٤- جان – ترکیب آهک و زرنیخ را گویند – از اسامی رایج در چین و کره
۱٥- مرطوب – روزگار – رنج‌ها

جواب جدول شماره ۹۴/۷۰۹

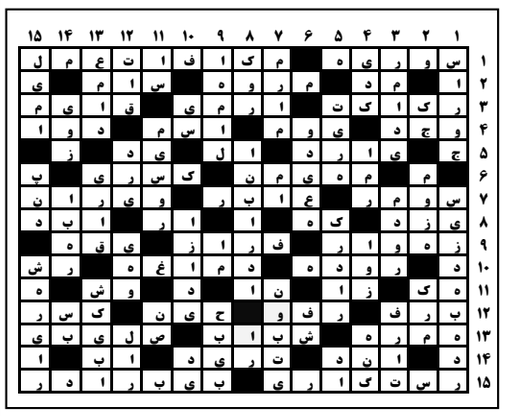

سودوکو

جدول شماره ۹۴/۱۸۴

3			1	7		6		
		1	8		9	7		
		2		3	6			5
		7		6	4	2		8
	8						5	
2		3	5	1		4		
7			2	4		8		
		6	3		7	5		
		9		8	5			2

جواب جدول شماره ۹۴/۱۸۳

6	5	4	2	7	9	1	3	8
7	8	9	3	1	4	2	6	5
1	2	3	5	8	6	9	4	7
3	7	5	8	9	2	4	1	6
9	6	1	4	5	7	3	8	2
8	4	2	1	6	3	5	7	9
4	1	8	6	2	5	7	9	3
5	9	6	7	3	1	8	2	4
2	3	7	9	4	8	6	5	1

شیوه حل جدول سودوکو

یک سودوکوی معمولی دارای ۹ ستون عمودی و ۹ ردیف افقی است که توسط خطوط پررنگ‌تر به ۹ جعبه ۳ در ۳ تقسیم شده است.

تعدادی از خانه‌ها در این جدول دارای عدد هستند و وظیفه شما این است که خانه‌های خالی را پر کنید طوری که هیچ عددی در یک ستون، ردیف و جعبه تکرار نشود.

اعدادی که در هر ردیف و ستون قرار می‌گیرد از عدد ۱ تا ۹ را شامل می‌شود و نباید تکراری باشند.

آشنایی با قرآن

متفکر شهید استاد مرتضی مطهری

تفسیر سوره عبس

اهتمام آخوند ملا عباس تربتی نسبت به غذای روح

مردی بود در خراسان به نام مرحوم حاج آقا آخوند ملّا عباس تربتی (پدر آقای ارشد) که بسیار مرد باتقوا و فوق‌العاده‌ای بود و با مرحوم پدر ما خیلی دوست بودند.

آقای راشد نقل می‌کرد که در سنه هجده که پدر ایشان به تهران آمده بود، گاهی که به خیابانِ می‌رفتیم، [اگر چیزی به ایشان نشان می‌دادند] مثلاً می‌گفتند: این خیابان را خراب کرده‌اند، اینجا چنین است، آنجا را ببینید... هر چه می‌گفتند، ایشان سرش را بلند نمی‌کرد و نگاه نمی‌کرد. گفتم: چرا نگاه نمی‌کنید؟ گفت: چون فایده‌ای به حال من ندارد. به همان اندازه که نگاه کنم توجهم جلب می‌شود و آن مطلب می‌آید در روح من و غذای روح من می‌شود. من باید حساب کنم که این غذای روحی برای من لازم است یا نه، مفید است یا مفید نیست؟

نقش تعلیم و تربیت در سرنوشت انسان

اینجاست که مسأله تعلیم و تربیت نقش فوق‌العاده‌ای پیدا می‌کند. انسان بچه‌اش را به مدرسه، زیر دست معلم می‌فرستد. در مدرسه تغذیه در حدّ اعلاست (چون بچه تجزیه و تحلیل ندارد، هر چه از معلم می‌شنود برای او وحی مُنزل است، بچه نمی‌تواند فکر کند که این مطلب ممکن است درست نباشد) در حالی که ما هیچ‌وقت آن طور که باید به این دستورالعمل قرآن که در این آیه آمده است – خصوصاً با توجه به حدیثی که از امیرالمؤمنین علی (ع) نقل کردیم – دقت و توجه نمی‌کنیم. گاهی انسان نمی‌داند که یک فکر، یک اندیشه، یک تلقین و یا یک جمله، سرنوشتش را به کلی تغییر می‌دهد، حال یا در جهت هدایت راستی و یا در جهت کژی و کاستی.

ذکر خیری از مرحوم آقا سید مهدی قوام

سال‌ها پیش (در حدود ده سال پیش که ما تازه به قلهک آمده بودیم) در آخرین سفری که مرحوم ابوی ما به تهران تشریف آورده بودند، آقای فلسفی آمده بود و از ایشان دیدن کرده بود و ما هم می‌خواستیم به بازدید آقای فلسفی برویم.

با مرحوم ابوی آمده بودیم سر خیابان دولت و منتظر تاکسی بودیم. بعد از مدتی یک ماشین شخصی ایستاد. راننده گفت: کجا می‌روید، من شما را می‌رسانم. ما هم سوار شدیم. بعد خودش شروع کرد به صحبت کردن راجع به این که من چرا شما را سوار کردم. او که ما را نمی‌شناخت گفت: من به شما آقایان خیلی ارادت دارم و علاقه‌مند هستم و اصلاً من زنده شده به دست یکی از شما هستم.

من و پدرم اختلاف داشتیم. اختلافمان آنقدر شدید شد که به دشمنی شدید منجر شد به گونه‌ای که تصمیم گرفتم پدرم را بکشم.

در همان اوقاتی که تصمیمم قطعی شده بود و دنبال فرصتی بودم، یک روز در خیابان حرکت می‌کردم که صدایی از بلندگو به گوشم رسید. نمی‌دانم چه شد، مثل این که این صدا من را به سوی خود کشاند. با این که کار داشتم، گفتم ببینم این کیست که حرف می‌زند. رفتم، دیدم سیدی بالای منبر مشغول صحبت است.

نشستم و چون عجله داشتم به حالت نیم‌خیز نشستم که دو سه کلمه گوش کنم و بروم. دیدم راجع به روابط و حقوق پدر و فرزند صحبت می‌کند. خیلی برایم گرم و دلنشین بود. گوش کردم، گویی اصلاً این سید از ماجرای من و پدرم خبر دارد و تمام جزئیات ماجرای من را طرح می‌کند.

مجموع وظایف پدر نسبت به فرزند و فرزند نسبت به پدر را بیان کرد و من سرگذشت خودم را در حرف‌های او یافتم. تا آخر نشستم. آنچنان مجذوب شدم که وقتی از منبر پایین آمد دنبال او را گرفتم و هر جا که می‌رفت به دنبالش می‌رفتم. به همین دلیل، از تمام آن تصمیم‌ها منصرف شدم و با پدرم هم رفیق شدیم. و حالا من می‌بینیم که اصلاً زنده شده این آدم هستم. (ایشان مرحوم آقا سید مهدی قوام بوده، خدا رحمتش کند.) بنابراین شما آقایان به گردن من حق حیات دارید.

توجه کردید که یک جمله چگونه می‌توان سرنوشت انسانی را به کلی تغییر دهد؟! عکس این قضیه هم هست؛ یعنی یک نفر در راه راست باشد و یک جمله سرنوشت او را به کلی تغییر دهد. بین این جوان‌های خودمانِ چقدر افرادی را می‌شنویم که حساب نکرده فوراً می‌روند با این و آن رفیق می‌شوند، فقط به این ملاک که آنها داغ هستند. (داغی تنها که ملاک نیست.) بعد از مدتی می‌بینید که بچه مسلمان، ملحد کافر منکر خدا از آب درآمد. انسان باید این آیه را مدّ نظر خودش قرار دهد. فلینظر الانسان الی طعامه. یعنی انسان باید در غذای خودش، اعم از غذای جسمی و غذای روحی، فکر و دقت کند.

ممکن است کسی بگوید: من که نمی‌دانم [کدام غذای روحی خوب است و کدام بد.] در جواب می‌گوییم: آیا افرادی نیستند که با آنها مشورت کنید که مثلاً حرف فلان شخص را گوش کنیم یا نه؟ تعلیمات او، تعلیمات درستی است یا نه؟ انسان گاهی می‌بیند افرادی که در مسیری حرکت می‌کنند، بعد از مدتی در اثر تغذیه‌های روحی نادرست، دقیقاً در جهت عکس آن مسیر فعالیت می‌کنند؛ یعنی همان شخص که از این مبدأ به آن سو با آن شدت می‌رفت، حالا از آن سو به این طرف به همان شدت می‌آید. اینها برای این است که غذاهای روحی برای انسان سرنوشت‌ساز است.